

نویسنده : اندر بیت چیک (Andre Vltcheck) .

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «* 2015-12-11»

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

عشق ، ازدواج و امپریالیسم

Love , Marriage and Imperialism

بعد از تصویر برداری از ساختمان عمارت نهایت عظیم و بی شک و شبهه شیطانی و گمراه کننده و سفارت ایالات متحده آمریکا در «بوشکیک» پایتخت «قرغزستان» - من را یک سیاستمدار دست چپی محلی به سوی دامنه ای کوه های مرتفع آنجا کشانید و ما هر دو به این توافق رسیدیم که باهم یکجا غذای ساده و خوب آن محل را صرف نمایم .

رستورانی را که دوستم برای صرف غذا انتخاب نموده بود - در جلوان رستوران یک لوموزیل (Limousyl) همچو هیولا وصف ناپذیر بزرنگ سفید با دروازه های مضعاف تزیین شده جذاب و قابل توجه و دلکش پارک شده بود که من همچو لوموزیلی را هرگز قبلاً ندیده بودم .



یک عروسی به سبک آمریکایی - آنچنانیکه میزبان من با دلتنگی و افسردگی به ارتباط این عروسی اظهار نظر نمود - عروس سر تا پا با لباس سفید ملبس بود ولی او کمی افسرده و آزرده خاطر معلوم میشد و داماد در ظاهر چنین به نظر می آمد که او نگران وقوع کدام رخداد غیر مترقبه میباشد ، وازجانبی در حدود صد مهمان ویا دعوت شوندهگان به عروسی به شدت در تلاش آن بودند که خود را خوش و سر حال

نگه دارند .

عروسی کاملاً خارق العاده و پُر زرق و برق بود که میشود «عروس و داماد» ممکن زندگی خوب زناشویی را در آینده داشته باشند؟ ولی من چنین اندیشیدم و یا به نظرم چنین معلوم شد که به تازه گی ممکن است ناگواری در همه چیز و در همه جا نفوذ خواهد کرد: یعنی در زنده گی این زوج ازدواج شده تا مهد کودکستان .

من یک نگاه گذرا بطرف عروس انداختم و برای چند ثانیه باهم چشم بچشم شدیم . من در نگاه های او قدری ناامیدی و تاثر را دیدم و مرا به یاد پتاگونیا (امریکایی جنوبی = patagonia) و پولی نیزی (اوقیانوس آرام = polynesia) انداخت شاید که من در مورد اشتباه کرده باشم و آن اینکه ممکن عروس در واقعیت امر خوش باشد ... با لوموزیل دلکشی که در جلورستورانت پارک شده است .

من در سرا سر جهان به صدها عروسی را از نزدیک دیده ام و یا در مراسم عروسی ها شرکت ورزیده ام که تقریباً همه ای آنها بر بنیاد رسوم عتیقه و ملال انگیز و طرز تفکر یکنواخت و همسان برگزار شده ، در همچو عروسی ها همه فرمایشات و آفرها بجای آنکه اختیاری و آزاد باشد مقید و دست نخورده و بعوض عشق و محبت خویشتن را در عقب میله های زندان افسرده و ملال آور دانسته و مصارفات هنگفت بجای رویا ها در اکثر همچو عروسی ها قابل رویت میباشد .

دارایی ، دارایی ، دارایی - کنترول ، کنترول ، کنترول - مصارف ، مصارف ، مصارف ،

مصارف .

مصرف نمودن دارایی و ثروت بمنصور نقض هویت و شخصیت شخص دیگر و کنترول حرکات و رفتار او (مرد و یا زن) - مصارف به نرخ مارکیت و ازجانبی حضرت عیسی را نیز باید در نظر داشت با وجودیکه بالای او یعنی حضرت عیسی باور و اعتقاد مطلق از جانب مصرف کننده موجود و یا موجود هم نباشد نباید آن حضرت را از نظر دور داشت چونکه حضرت عیسی اکنون مبدل به یک نوع توجهی و یا جستیفیکیشن شده است و آن اینکه شما طبق معمول باید بخاطر آنکه عروسی نماید برای دیگران مصرف نماید و آنهم تنها بمنظور اینکه در همان شب بعد از ختم مراسم عروسی با عروس مقاربت جنسی بنماید و یا «نه نماید» باید ناگزیراً پول مصرف نماید .

یا اکنون همه در انتظار آنند که این زوج یا داماد و عروس که پول هنگفتی بمصرف رسانیده اند تولید مثل نمایند و برای دولت هیولا مالیه بپردازند و از نظر اخلاقی مطیع و فرمانبردار باشند بجای آنکه آن هر دو در خود احساس مثبتی را بعوض رویا ایجاد نمایند و یا در کنار همدیگر بخاطر یک جامعه بهتر انسانی و یا بخاطر یک دنیای

بهتر مبارزه نمایند!

بهر صورت بعد از انقلاب سال (1917) در روسیه مقامات اتحاد شوروی چنین می‌اندیشیدند که آنها با این رخداد تاریخی قادر خواهند شد که رسوم معمول ازدواج را یکجا با بعضی موضوعات اعم از مسایل مذهبی، ظلم و استبداد، واپسگرایی و چیزهای عجیب و غریب دیگر را لغو و به زیاده‌اندان تاریخ خواهند افکند - لکن تاریخ نشان داد که همچو رسوم و فرهنگ نه تنها که طرد و منسوخ نگردید بلکه ریشه‌های عمیق آن در تار و پود روح و روان توده‌ها استوار و پابرجا باقی مانده است.

عشق و محبت به بیان ساده و عام فهم آن استوار بر اعتماد جا‌نبین، آزادی در انتخاب، میتواند توصیف شود که البته این طرز تفکر بنا به موجودیت ذهنیت‌های محدود بیش از حد خطرناک و مد‌هش به نظر میرسد - یعنی که دو دل‌داده و عاشق‌همدیگر نمیتوانند از همچو دستبندی‌ها و موانع و طناب‌های گسترده شده‌رهایی یابند و طبق دلخواه خود زندگی عاری از هرگونه موانع را با مهر و وفا و از خودگذری به پیش ببرند و با هم عشق ورزند - باید خاطر نشان ساخت که این موانع حتی همین‌اکنون در قرن بیست و یک قبل از آنکه برای یک زوج اجازه داده شود که با هم عشق ورزند به نظر بعضی از بیروکرات‌های متعصب و کشیش‌ها لوطی‌که درخفا بالای اطفال تجاوز مینمایند رسمی زناشوی را بامهر و تاپه‌ء رسمی قضا و وزارت عدلیه باید تدارک نمایند و بعداً با داشتن همچو سند داماد حق دارد که عروس را بیوسد.

بجا است تا خاطر نشان گردد که این نوع برخوردهای وقیحانه چقدر نفرت‌انگیز، شنیع و تحقیرآمیز برای عشق و محبت رقم نموده‌اند و یا چقدر با یک فرهنگ عقب افتاده و فرسوده‌ای ملوک‌الطوایفی شل و سست و بی‌بنیاد همراه است که در خور هیچ یک از انسان‌متمدن امروزی جای ندارد.

ایچنین نگرسته نمیشود که عشق شکل عالی و کامل از شور و طغیان و احساسات عاطفی و مبارزه برای چیزی نووجدید و مهر افرینی میباشد که نباید عشق و محبت بر بنیاد باکره بودن و بکارت استوار و پابرجا باشد بلکه عشق باید بر بنیاد زیبایی، اعتماد، تصمیم و شجاعت و مردانگی و از خودگذری پایه‌گذاری شود.

که باید هم‌نطور هم باشد ولی همه‌ء ما میدانیم که اینطور نیست؟

بجای آنکه عشق را به مفهوم اصلی آن توصیف نمایند با استفاده از من‌درآوردی‌های ادیان توحیدی و فرهنگ امپریالیستی غربی خود از نهاد ازدواج برای نشان دادن استبداد و دیکتاتوری‌شان دست‌بکار میشوند و عروسی‌های خویش را دقیقاً با جلال و شکوه همچو روز کرستمس جشن میگیرند و یا مانند جشن‌های که در ادیان دیگر مروج است جشن عروسی‌شان را روبراه میسازند و با مصارف هنگفتی فرصت‌های شرم‌آور و لجام‌گسیخته‌ای را برای عیاشی و خوش‌گذرانی خود مهیا میسازند.

رویای عروس‌اکنون بیشتر به کشش‌های دلفریبانه رنگارنگ همچو سرزمین

خیالی و تصوراتی و با نوع از عیاشی گیره خورده که در عین زمان همراه با طعم بد ناشی از مصارف بیجا و سوزاندن پول نرده است - پولی که در کیسه ای موسسه ای خصوصی خد ماتی صنعتی جا بجا میگردد.

نظریه پردازان بنیاد گراء امپریالیستی بازار عشق بازی را تازمانیکه مفهوم عمیق آن را کسی درک نه نماید این بازار عشق بازی را هرگز رها نمیکنند! چنانچه تا همین اکنون یقیناً رها نکرده اند. نهاد و رسم معمول ازدواج مدرن هرگز کمتر و یا خلاف سناریو فلم های هالیوود و عاری از آهنگ های موسیقی پاپ نمیشد. باید به خاطر داشت که در عروسی های مدرن سناریو چنین میباشد که حلقه ها بین داماد و عروس ردوبدل میشود - سند مهر شده ای نکاح با میانجگیری شخص به اصطلاح روحانی به داماد سپرده میشود - غذا از حد بیشتر صرف و یا استفراق و یا در تشناب ها دفع میگردد مگر چیزیکه همچو عروسی ها در قبال خود دارند همانا زندگی خشن ازدواج است که در اکثر موارد برای زوج متذکره شکسته حالی - اجبار - و افسردگی باقی می ماند و تنها حاصل همچو عروسی ها چند طفل و الزاماتی با درک و احساس گناه و حماقت های دین با وری چیزی دیگر نمیشد.

در ازدواج های کوتاه مدت از قرن ها به اینطرف بویژه در جوامع اصلاح ناشده (بشمول بعضی از کشورهای غربی) زنده گی زنا شوی توام با نفرت و انزجار همراه بوده که چونکه در این نوع جوامع رسم و عنعنه ازدواج ها از طریق اعتقادات سادستی مسیحیت بشکل دوامدار آن مدیریت میشود و تا هنوز هم مدیریت میشود.

امروز عروسی ها به ستایل غرب تقریباً در اکثر بخش های جهان مروج و بر بنیاد های ممکنه عچندی توام با ترس و خودخواهی (مثل قرار دادن فامیل ها در وحدت و جایگاه بلند ناسیونالیستی و دیگر اهداف مورد علاقه که مسلماً توام با فساد و خدعه و نیرنگ میباشد) سرافکندگی ، عدم خلاقیت و توهم و فاقده عشق و محبت برگزار میشود. باید خاطر نشان ساخت که اگر به شگوفه ای عشق مجال و فرصت داده شود که بصورت طبعی بیدون از مداخله دیگران بشگفتد که طبعاً برای شگفتن آن بین دو دل داده ضرورت به اعتماد و از خودگذری و سخاوت میباشد و حاصل پر باری را برای آنها به ارمغان خواهد آورد و در کنار آن این زوج مزوج با شور و شوق و آزادی و ارزوهای بهی خواهانه آگین از مهر و محبت به زندگی جدید خود خواهند پرداخت. ولی با تاسف که این همه خوبی های که از آن در بالا ذکر نمودیم مستقیماً با فرهنگ امپریالیستی غرب با اصول عقاید مسیحت و با نظریات بنیاد گرایان مارکیت و بازار در تضاد میباشد - در تضاد با فاشیزم جهان و بر خلاف نظریات آنهایکه ادعا حاکمیت بر جهان را می نمایند میباشد.

فاشیزم جهانی میخواهد که عروسی دو دل داده و زنده گی که آنها در آینده میخواهند داشته باشند باید طبق آوامر فاشیست ها صورت گیرد و آنها یعنی عروس و داماد مجبوراً باید

از این فاشیست‌ها فرمان ببرند و همچو غلام و کنیز به حیات زناشوی خود در تحت نظر آنها ادامه دهند این زوج باید در جشن عروسی خود مصارف بیجا و احمقانه بنمایند و حقیقت را برای اطفال خود به سبک معلق و دیزنی « Disney » (روح دماندن یاجان بخشیدن) درزیر مفهوم مذهبی و آبلهانه‌ترین فرهنگ که همین اکنون در جهان ما به ارمغان آورده شده است بشکل رقت انگیز آن بملاحظه میرسد بازگو نمایند همهء اینها درزیر نام " اخلاقیات " محضاً بخاطر دخول اله تناسلی مرد در یک « مهبل » مجرد را بیشتر غیر اخلاقی و آنهم نسبت به قتل میلیون‌ها و گسترش ایدئولوژی نهیلیستی (Nihilist) و دروغ‌های مذهبی به تصویر میکشند دروغهای مذهبی که توأم با فساد - سرقت و ترسانیدن میلیون‌ها انسان فقیر و بی‌نوا میباشد .

یک روز بعد از صرف نان چاشت با دوستم در آن رستوران که سالن آن رستوران را برای جشن عروسی تزین نموده بودند بطرف ساحل جنوبی دریاچه بزرگ واقع در مرکز آسیا عزیمت نمودیم به آن بخشی از ساحل دریاچه که چندین سال قبل در همینجا یک شرکت استخراج معدن یک کمیون مملو از سیاناید (Cyanide) را بیدون پرداخت جبران خساره در آب تخلیه ورها نمود و شرکت مذکور ملزم با فساد و دروغ‌گویی نه تنها که خود مرتکب همچو گناه عظیم شده بود بلکه رییس جمهور و مطبوعات محلی و تعداد از وکلای پارلمان را نیز در این گناه نابخشودنی شریک ساخته بود رفیق من به صفت رییس تحقیق این عمل غیرانسانی و نابخشودنی جمع از مفسدین فوق تعیین شده بود- اونخواست که مرتکب خیانت بمردم و به کشور خود گردد - یکی از روزها نماینده ای از همین شرکت استخراج معدن به شعبه رفیقم با یک بکس مملو از دالر مراجعه نمود رفیقم فوراً او را از دفتر کار خود بیرون راند و بعداً تمام رویداد و قضیه ای تخلیه نمودن سیاناید (cyanide) را از طریق ارتباط جمعی افشا و به مردم کشورش پیشکش نمود -

با یاد خاطر نشان ساخت که از هنگام تخلیه شدن این مواد سمی و کشنده در آب تا هنوز به صدها نفر به نسبت مبتلا شدن به سرطان پدروود حیات گفته اند و به صدها کودک معیوب و ناقص تولد شده اند . این شرکت استخراج معدن و مقصر - قضیه را در بین مردم قریه کوچک و عادی نگاشته تا اگر بتواند توجه مردم را از گناه نابخشودنی خود منحرف سازد اما من به همه مردم قریه مذکور گفتم که اکثر مردم قریه شما که زنده گی خود را از دست دادند علت آن تخلیه همان مواد کشنده (Cyanide) بود که توسط همین شرکت استخراج معدن صورت گرفته بود . حتی که اضرار آن عروسی‌ها را نیز کنار نگذاشت پس چرا ؟

اکنون همه شهروندان آسیای مرکزی خواب‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق را

می بینند ، من این مطلب و چشم دید خود را در قزغزستان ، قزاقستان و حتی ازبکستان گبته ام و در نظر دارم که این موضوع عنوان مقاله بعدی ام خواهد بود .
غرب فاسد و سارق و حامی ناسیونالیسم (ملت گرایی) و مذهب بیون افراطی نه تنها که داعش را اکنون فعال ساخته اند بلکه همچنان بسا سازمانهای افراطی مسیحی و فاشیستی را در سراسر جهان نیز فعال ساخته و از آنها حمایت مینماید مثل سازمانهای افراطی در اندونیزیا و در قاره افریقا و همچنان در هر جا های دیگر این سیاره خاکی ما .
کشورها را به قطعات و پارچه های تجزیه و تقسیم کردن و ثروت مردم را تاراج کردن فکر میکنم که به نظر آنها « غیر اخلاقی » نیست . مغز شوی و انواع اعمال شنیع از عملکردهای روتین غربی های مفسد و بر سر اقتدار میباشد .

این سردمداران غربی عشق را به سطح بازار پلید کاهش داده اند و ازدواج را به یک احساس شبیه یک محبوس رقم زده و روابط انبوه تولیدی بین انسانها را مغشوش ساخته اند تا جایکه برای آنها فرصت را باقی نگذاشته اند که بیا ندیشند و برای یک دنیای بهتر و بر آوردن آرزوهای دلخواه خود مبارزه نمایند .

مثل باطن و درون نگری غرب ، مانند ورزش های میکانیکی ، مانند فرهنگ غرب و بشکل فزاینده شبیه یک سوپرمارکتیت مانند دوران کودکی و نا پختگی تولید کتلوی مواد کیمیایی مضره و ناخوش آیند و رنگه و اتحاد بین زن و مرد و در حال حاضر از قبل ساخته شده اعم از کمپیوتر - تولید و ساخت فر فره (چرخ) و تبلیغات پر سرو صدا همه و همه چنین به نظر میرسد که برای مصارف و خور انسان مواد سمی و توکسیک میباشد .
من میتوانم بگویم که همچو اتحاد بین زن و مرد مانند یک پیچ و سکرینو است - اجازه دهید تا به ارتباط بعضی چیزهای نغز و پسندیده بیا ندیشیم - اجازه دهید که از نظر اخلاقی بالای این واعظان و بیروکراتها و بالای تا په زنی های آنها بخندیم . اجازه دهید که برای بازگرداندن نظم و آهنگ رویا و انسان دوستی و اعتماد خویش تلاش بخرچ دهیم اجازه دهید که این آرزوهای واقعی را هر چه زود تر تا مین نمایم .

چند سطر در ارتباط نویسنده و این مقاله : اندری پلچیک یک فیلسوف ، رومان نویس ، فلم ساز و یک ژورنالیست پژوهشگر و محقق است او به ارتباط جنگ ها و درگیری های ده ها کشور مقالات و کتاب ها نوشته است ، کتا بهای را که او تالیف نموده است حسب ذیل میباشد :

- جنگ علیه غرب - افشای دروغگویی های امپراتوری - مباحثات علمی همراهی متفکر بزرگ جهان آقای نوام چامسکی به ارتباط تروریزم غرب - نقطه عدم بازگشت یکی از ناول های انتقادی او - اوکیناوا کتاب تحت عنوان امپریالیزم در جنوب اوقیانوس آرام . - کتاب پر مخاطره و تحریک آمیز او پیرامون اندونیزیا - اندونیزیا مجمع الجزایر مخوف -

اندرس هنگامیکه برای سالهای چندی در امریکای لاتین زندگی میکرد برای teleSUR

و تلویزیون پرس فلم میساخت . او اکنون مقالات زیاد به ارتباط موضوعات آسیای شرقی و شرق میانه می نویسد به او در ویب سایت و تویتر او میتوان رسیدگی کرد .

با تقدیم سلامهای مخلصانه .